

تحلیل چرایی دوگانگی رفتار اهل بیت علیهم السلام در برابر شاعران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

سید مهدی رحمتی^۱
فاطمه حاجی اکبری^۲

چکیده

تأثیر شگرف شعر بر جوامع بشری و علاقه عرب به کاردانان این عرصه، امری است که تقسیم دوگانه شعر به دو گونه ارزشی و جاهلی توسط قرآن و توجه سیره و حیانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان را به دنبال داشت. تحقیق توصیفی - تحلیلی حاضر با عنایت به اهمیت واکاوی سیره ائمه علیهم السلام و پیروی از آن، از رهگذر بررسی روایات، به تحلیل رفتار دوگانه آل الله صلی الله علیه و آله در مواجهه با شاعران عصر اموی و عباسی در دو ساحت عطا و منع معنوی و مالی پرداخته است. بر پایه یافته‌های تحلیل تطبیقی روایات مشکل این حوزه، شاعرانی که تنها به جنبه‌های عاطفی و محبت به خاندان وحی صلی الله علیه و آله بسنده نکرده، بلکه با تأکید بر مسأله ولایت، معرفت‌افزایی و روشن‌گری اجتماعی سیاسی را سرلوحه تلاش‌های خود قرار دادند، همواره مورد تأیید خاندان وحی صلی الله علیه و آله قرار گرفته و برای بازماندگان عرصه ادب، معیار و ملاک اصلی شعرارزش‌مدار و آیینی را به میراث گذاشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شعر، اهل بیت علیهم السلام، ولایت، مشکل الحدیث، سیره، امامت.

۱. مقدمه و بیان مسأله

روایات گزارش شده از معصومان علیهم السلام از نظر سادگی و دشواری در فهم، گونه‌های مختلفی دارند. در این میان، دریافت صحیح مفهوم برخی روایات به سبب عواملی چند، همچون:

۱. عضو هیأت علمی و استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه گنبد کاووس (نویسنده مسئول) (rahmati@gonbad.ac.ir).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد (f.hajiakbari@kub.ac.ir).

والایی مضمون، تطوّر واژگان و ترکیب‌ها، چندمعنایی واژه، جدا افتادن از قرینه‌ها و اسباب ورود حدیث، وابستگی روایت به سؤال راوی، علم ناقص درباره مخاطب اصلی و فرهنگ فضای صدور، ناآگاهی از شرایط سیاسی حاکم، اختلاف درونی و تعارض برونی دشوار می‌نماید؛ روایاتی که در هندسه دانش‌های حدیثی از آن‌ها با عنوان مشکل الحدیث یاد می‌شود و برای فهم دقیق آن‌ها تلاش‌های گوناگونی شده است.^۱ بهره‌گیری از فقه اللغه و قواعد ادبی، کاربست صحیح مباحث الفاظ دانش اصول و هرمنوتیک، درنگ سازوار به خانواده حدیثی و شناخت بهتر سیاق روایات از جمله این تلاش‌هاست.^۲

پژوهش پیش‌رو، با عنایت به رویکردهای یاد شده، اهمیت درک صحیح روایات اهل بیت علیهم‌السلام و لزوم تأسی به سیره ایشان در عرصه تعامل با تلاش‌گران فرهنگ، به بررسی روشمند روایات مشکل در عرصه شعرشیرایی و دریافت معنای درست آن‌ها پرداخته است؛ چرا که شعر در میان جوامع انسانی، دارای جایگاهی بی‌بدیل و حایز اهمیت است؛ ابزاری توانمند که با گسترش رسانه‌های ارتباطی نوین، نه تنها از تأثیرگذاری اش کاسته نشده، بلکه میدانی فراخ برای ترویج هرچه بیشتر آن فراهم آمده است؛ پدیده‌ای که در عصر جاهلی، در عرصه اجتماع و فرهنگ در جایگاه حکمت و علم جای داده می‌شد و عرب شاعری را که سخنش واجد جمال و حاوی معانی و جلال بود، مایه فخر خود تلقی می‌نمود.^۳

در این شرایط حاکم، قرآن کریم، از یک سو پای در میدان تحدی گذاشت و به عنوان کلام الهی - که درقله زیبایی ظاهری و عمق معنای باطنی جای داشت - گوی سبقت را از شاعران عرب ربود و عجز و ناتوانی آنان را نمایان ساخت.^۴ از سوی دیگر، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که خود، نمود و کمال فصاحت و بلاغت بود^۵ - اهمیت شعر و میزان اثرگذاری آن را دریافت و شاعرانی همچون حسان بن ثابت، کعب بن زهیر، عبدالله بن قیس (نابغه) را - که طراوت سخن و عمق معنا را دریافته بودند - برگزید و از ایشان به عنوان افسران جنگ نرم در پیشبرد اهداف فرهنگی و تعمیق ارزش‌ها و باورهای اسلامی استفاده کرد و رویکرد ایشان را در جایگاه‌هایی چند ستود و ایشان را در معیت جبرئیل به شمار آورد و مشمول دعای

۱. «زمینه‌های پدید آمدن حدیث مشکل»، ص ۱۶۹.

۲. «نقش سیاق در فهم احادیث مشکل»، ص ۲۲۶ - ۲۲۸.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۶۲.

۴. سوره اسراء، آیه ۸۸.

۵. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۵۷.

مستجاب خویش ساخت.^۱

با سپری شدن دوران حضور پیامبر (ص) نه تنها از گستره تأثیرگذاری شعر و شاعران کاسته نشد، بلکه دولت‌های اموی و عباسی شعر را وسیله سلطه اجتماعی و سیاسی خود قرار داده، از برخی شاعران به عنوان ابزار نفوذ نظریه‌های سیاسی در جامعه، با ساز و کار ستایش حاکمان و یاران ایشان و هجو و تعرض به مخالفان سیاست‌های جاری استفاده کردند. با وجود بهره‌گیری دستگاه حاکم، از سیاست ترغیب، تطمیع، ترس و مجازات‌های طاقت‌فرسا با هدف استثمار شعر در جهت پیشبرد رویکرد انحصارطلبانه خود، شاعرانی سر برآوردند که با علم به فرجام هولناک، موضع مخالف را برگزیدند و از زبان شعر به عنوان سلاح رویارویی با انحراف و ستم بهره جستند؛ شعری مخالف خوان، ارزش مدار و آیین‌محور که توجّه خاندان اهل بیت (علیهم السلام) را به خود معطوف داشت و از سوی ایشان گرامی داشته شد؛ آن‌طور که بیانیه جبهه نبرد با دستگاه جور به حساب آمد و شیعیان از سوی ائمه (علیهم السلام) در کنار آموزش قرآن و روایات، به حفظ و کاربست آن مأمور شدند.

در این میان، برخی شاعران گوی سبقت را از دیگران ربودند و بیش از دیگران مورد عنایت، صله‌بخشی و دعای اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفتند و برخی دیگر با وجود توانمندی شعری، سرودن رثا و مدح اهل بیت (علیهم السلام) و ملحق نگشتن به دستگاه جور در جهت صلاحیت‌بخشی به نظام سلطه، از عطای خاندان عصمت محروم شدند. پژوهش حاضر بر آن است که پس از تدارک زمینه‌های اجتماعی شکوفایی شعر و شاعران در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس و یادکرد مهم‌ترین شاعران عطایافته اهل بیت (علیهم السلام) و محرومان از صله ایشان، با تمرکز بر منظومه فکری شاعران مزبور، به تحلیل چگونگی و چرایی اختلاف میزان توجّه اهل بیت (علیهم السلام) به ایشان و آثار باقی‌مانده از سوی آنان بپردازد.

۲. پیشینه تحقیق

اهمیت و جایگاه شعر در دستگاه اندیشه و انتقال فرهنگ و معارف اسلامی، پژوهش‌گران را بر آن داشته که تلاش‌های قابل توجهی در این عرصه مبذول نمایند. گستره کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های سامان یافته در موضوع شعرسی فراتر و دامنه‌دارتر از مورد مطالعاتی تحقیق حاضر است؛^۲ امری که گرچه انجام این پژوهش را سهل نمایانده، اما به سبب

۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۹۵؛ الصحیح، ج ۸، ص ۳۸۰؛ الامالی، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. جستجویی ابتدایی در منابع کتابخانه‌ای و سامانه‌های هوشمند مقاله‌یابی همچون نورمگز و مگبران، شاهد بر این مدعا است. به منظور پرهیز از اطاله کلام از یادکرد نام آثار انجام شده، پرهیز می‌شود.

صورت نپذیرفتن تحقیقی مستقل با رویکرد مورد پژوهش، تحقق این مهم را سخت می‌سازد. همچنین، از سوی دیگر، فهم روایات مشکل امری درازدامن و پهلوه به پهلوی صدور روایات در میدان حدیث‌گذاری و حدیث‌فهمی در دوره حضور اهل بیت علیهم‌السلام است.^۱ با این وجود، مسأله شعر و شاعران، و بررسی روایات مشکل و متناقض نما در حوزه اعتبارسنجی شعر آیینی امری نوبه حساب می‌آید. از این رو، تحلیل روایات مشکل این عرصه، با هدف تحلیل چرایی رفتار دوگانه اهل بیت علیهم‌السلام با شاعران و دریافت معیارهای مورد نظر خاندان وحی در ارزیابی و ارزش‌گذاری اشعار، کوشش بی‌سابقه مقاله پیش‌رو است تا با به اشتراک‌گذاری یافته‌های خود، راه را برای محققان این میدان بگشاید.

۳. شعر و شاعران در دوره اموی (۴۰ - ۱۳۲ق)

نقش بارز شعر در فرهنگ، حافظه و وجدان جمعی عرب، حاکمان اموی را بر آن داشت که تمام تلاش خود را برای بهره‌کشی از شاعران با هدف پیشبرد سلطه خویش به کار گیرند؛ چه شعر، دیوان عرب و شناسنامه تاریخی و فرهنگی آن به حساب می‌آمد و شاعران میدان دار روزهای نیک و مباهات ایشان و به تعبیر امروزی، افسران جنگ نرم قبایل به شمار می‌آمدند. از جمله حاکمان اموی می‌توان به معاویه بن ابی سفیان اشاره کرد که همواره بر جایگاه شعر تأکید داشت؛ به گونه‌ای که از وی نقل کرده‌اند:

باید شعر بزرگ‌ترین کوشش ادبی شما باشد که آثار پیشینیان شما و مواضع ارشاد شما در آن نهفته است. همانا من در روز هزیمت، تصمیم بر فرار گرفتم، و شعر این الاطنابة الانصاری (و تأثیر نفسانی آن بود که) مرا بازداشت.^۲

امویان، از یک سو با تأکید بر اشعار جاهلی و نشر اشعار بزمی و استحاله فرهنگی جامعه، کوشش می‌کردند که به مردم القا کنند که حکمت هم در اشعار است^۳ و از سوی دیگر، با گزینش شاعران خودباخته، تلاش کردند که شعر را ابزار توجیه عرفی و دینی حکومت خود کنند. از جمله این افراد، عبد الله بن مازن است که پس از درگذشت معاویه، بریزید وارد شد و پس از سلام، با عنوان امیرالمؤمنین و ستایشی بی‌نظیر از خلیفه درگذشته، با سرایش دو بیتی ای جانشینی یزید را اراده و نعمت بخشی خداوند بر خلائق دانست؛^۴ ابیاتی که افزون بر

۱. الکافی، ج ۱، ص ۶۲ و ص ۶۵.

۲. الکامل فی اللغة و الادب، ج ۴، ص ۶۸.

۳. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۷۷.

۴. مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۳۷۶.

حقانیت بخشی به دستگاه اموی، تکفیر مخالفان را در برداشت. عبد الله بن سلول نیز در اقدامی مشابه، به هنگام بیعت با ولید بن عبد الملک، آن را بر زبان جاری ساخت.^۱ این درحالی است که مخالف خوانان علوی، زبیری و خوارج با سرودن اشعاری که درون مایه آن حاکی از غضب خلافت و تأسیس پادشاهی بود، مشروعیت دستگاه اموی را زیر سؤال می‌بردند. از جمله ایشان - که افزون بر مخالفت با دستگاه اموی، حزب علوی را یاری می‌رسانند و منظومه فکری ایشان را نیز ترویج می‌دانند - می‌توان به احنف بن قیس بن معاویه (م ۶۷ق)، عدی بن حاتم طایی (م ۶۸ق)، ابوالاسود دؤلی (م ۶۹ق)، ابن مفرغ حمیری (م ۶۹ق)، کثیر عزة (م ۱۰۵ق)، فرزדق همام بن غالب (م ۱۱۰ق)، کمیت بن زید اسدی (م ۱۲۶ق) و برخی دیگر اشاره کرد.^۲ نکته حایز توجه آن است که برخی از شاعران یاد شده، مورد عنایت ائمه علیهم‌السلام قرار گرفته و بعضی دیگر، گرچه در رثا و مدح خاندان عترت علیهم‌السلام سروده‌اند، اما مورد چنین حمایت و توجهی قرار نگرفته‌اند. در ادامه، پس از گزارش اسامی شاعران محروم از مدح و عطیه اهل بیت علیهم‌السلام، و با تکیه بر شخصیت و آثار «کمیت» و «فرزدق» به عنوان تنها شاعران مورد عنایت ایشان در عصر امویان به فلسفه این بخشش و منع بیشتر نزدیک خواهیم شد.

۴. شاعران توفیق یافته به عطا و مدح اهل بیت علیهم‌السلام در عهد اموی

در میان مادحان و مرثیه‌سرایان اهل بیت علیهم‌السلام، نام‌هایی است که هیچ ستایش و بخششی از سوی خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام دریافت نکرده‌اند. از میان شاعران مذکور می‌توان به احنف بن قیس بن معاویه (م ۶۷ق)، عدی بن حاتم طائی (م ۶۸ق)، ابوالاسود دؤلی (م ۶۹ق)، ابن مفرغ حمیری (م ۶۹ق)، کثیر عزة (م ۱۰۵ق) به عنوان شناخته شده‌ترین ایشان اشاره کرد. در سوی دیگر، در میان افرادی که در عهد اموی در ستایش و رثای اهل بیت علیهم‌السلام به میدان آمده‌اند، بر اساس تحقیق نگارنده، تنها «فرزدق» و «کمیت» هستند که از دعا و بخشش ائمه علیهم‌السلام بهره‌مند شده‌اند. از این رو، در ادامه به معرفی جایگاه این دو شاعر و گزارش‌های مطرح شده درباره ایشان می‌پردازیم.

۴-۱. فرزدق

همام بن غالب بن صعصعة بن ناجية بن عقال بن محمد، شاعر بزرگ شیعی است که

۱. تاریخ الامم و الملوک، ج ۶، ص ۶۲۳.

۲. اخبار شعراء الشيعة، ص ۷۴.

گرچه به دلیل خفقان اموی، مذهبش را آشکار نساخت و حتی در ده‌ها قصیده، از جمله در قصیده‌ای پس از به خلافت رسیدن عبد الملک بن مروان و امویان را ستود و او را میراث‌دار عثمان و شایسته‌ترین افراد به خلافت دانست؛^۱ اما به شهادت دیوان در دسترسش و نکوهش تشیع وی از سوی اصمعی،^۲ هیچ‌گاه تقیه، او را از محبت علی علیه السلام و خاندان ایشان باز نداشت و «قصیده میمیه»^۳ بداهه‌گونه و بی‌نظیر خود را هنگام تجاهل هشام بن عبد الملک، در ستایش و بیان مقام والا، تبار بی‌مانند، شجاعت و بخشش حضرت سجاد علیه السلام با مطلع ذیل سرود:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءَ وَظَأْتَهُ وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحَلَّ وَالْحَرَمُ
هَذَا ابْنُ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ كُلِّهِمْ هَذَا التَّقِيُّ النَّقِيُّ الظَّاهِرُ الْعَلَمُ^۴

قصیده‌ای که آن چنان هشام را برآشفته که دستور به زندانی کردن فرزدد داد و منجر به عطای دوازده هزار درهمی زین العابدین علیه السلام به وی شد؛^۵ عطایی که در مرحله نخست از سوی فرزدد پذیرفته نشد، چه فرزدد سرایش آن را وظیفه دینی بیان کرد؛ اما دگر بار از سوی حضرت سجاد علیه السلام فرستاده شد و با سفارش و سوگند امام مبنی بر حقی که میان امام و مأموم است و قبول راستی نیت فرزدد در ولایت مداری اهل بیت علیهم السلام مورد پذیرش او قرار گرفت. سرانجام، فرزدد در دوران که در حبس هشام بن عبد الملک بود، وی را هجو کرد و هشام به منظور پرهیز از دشوارتر شدن فضای سیاسی و اجتماعی به وجود آمده، او را آزاد ساخت.^۶ گزاره‌های یاد شده نشان از آن دارد که فرزدد، گرچه به سبب معیشت و تقیه در او ان امر، محبت خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام را آشکار نمی‌نمود، اما در اواخر عمر خویش، توفیق تحوّل، کامیابی به ولایت و شایستگی عطا و توصیف امام سجاد علیه السلام را پیدا کرد؛^۷ آن‌طور که حضرت با تعبیر «بحقی علیک لما قبلتها فقد انار الله مکانک و علم نیتک»^۸ او را ستود؛ مهر

۱. دیوان الفرزدق، ص ۱۶.

۲. اعیان الشیعة، ج ۵۱، ص ۶۳.

۳. الامالی (مرتضی)، ج ۱، ص ۶۹.

۴. دیوان الفرزدق، ص ۵۱۱؛ المناقب، ج ۳، ص ۳۰۶.

۵. وفیات الاعیان، ج ۶، ص ۹۷؛ الاختصاص، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۶. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۶؛ الاغانی، ج ۱۴، ص ۷۶.

۷. الامالی (سید مرتضی)، ج ۱، ص ۶۲-۶۳.

۸. الاختصاص، ص ۱۹۴؛ الاغانی، ج ۱۴، ص ۷۵.

تأییدی که خاندان وحی هیچ‌گاه از سرشوق و هوی به زبان نیاورده، بلکه به سفارش کلام وحی^۱ تنها شایستگان رضایت پروردگار را وعده شفاعت داده‌اند.

۴ - ۲. کمیت

کمیت بن زید بن خنیس بن مجالد بن ربیعة بن قیس الاسدی الکوفی، از اصحاب مورد وثاقت ائمه (علیهم السلام)^۲، خطیب بنی‌اسد، فقیه شیعی و شاعر بزرگی است که بر آداب، انساب، گویش‌ها و اخبار عرب مسلط بود. وی خواهرزاده فرزددق بود و مجموعه «هاشمیات» از وی به یادگار مانده است؛^۳ مجموعه‌ای که سرشار از قصیده‌های ارزشمند در ذکر فضیلت، مدح و مرثیه اهل بیت (علیهم السلام) بوده و واسطه دستیازی او به دعا و بخشش‌های خاندان عصمت و طهارت شد. از جمله سروده‌های وی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

۱. کمیت در مجلسی بر امام سجاد (علیه السلام) وارد شد و خدمت ایشان عرض کرد:

قصیده‌ای سروده‌ام و در آن به مدح شما پرداخته‌ام، امید آن‌که این پیشکش وسیله‌ای جهت تقرب من به پیشگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باشد، سپس قصیده را با مطلع ذیل آغاز کرد:

مَنْ لَقِبَ مُتَيْمٍ مُسْتَهَامٍ غَيْرِ مَا صَبَوَةٍ وَلَا أَحْلَامٍ

در پایان سرایش، زین العابدین (علیه السلام) خطاب به او فرمود:

ما از پاداش تو عاجزیم! اما نه، ناتوان نیستیم؛ زیرا خدا از پاداش دادن به تو عاجز نیست. بار خدایا! کمیت را بیامرزد.

سپس چهار صد هزار درهم را - که از میان خود و خاندانش به تقسیط فراهم کرده بود - به کمیت داد؛ اما کمیت دستیابی به یکی از جامه‌های امام را مایه سعادت خود دانست. از این رو امام (علیه السلام) برخاست و جامه‌ها را از تن به در آورد و همه را به کمیت داد و پس از آن گفت:

خداوند! در روزگاری که مردم درباره خاندان پیغمبرت خودداری داشتند، به راستی که کمیت از خودگذشتگی نشان داد و حقی را که دیگران پنهان می‌کردند و بدان بخل می‌ورزیدند، آشکار نمود. پس وی را به نیکبختی زنده بدار و به شهادت بمیران. مزد دنیائی‌اش را به وی بنما و بهترین پاداش را در آخرت برای وی ذخیره فرما که ما از عهده پاداش او بر نمی‌آییم.^۴

۱. سوره انبیاء، آیه ۲۸.

۲. رجال الطوسی، ص ۱۴۴.

۳. اخبار شعراء الشيعة، ص ۷۱.

۴. تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۲۱۰؛ خزانه الادب، ج ۱، ص ۶۹.

۲. نمونه دیگر، شعرخوانی کمیت در محضر امام باقر علیه السلام با همان مطلع یاد شده در نمونه پیشین است که پس آن، مستحق دعای باقر العلوم علیه السلام شد؛ آن طور که حضرت رو به کعبه نمود و به درگاه خداوند سه مرتبه عرضه داشت:

خداوندا! کمیت را مورد غفران خود قرار ده.

سپس هزار درهم جمع شده از سوی خاندانش را به وی هبه فرمود؛ بخششی که کمیت، دعای حضرت، پاداش الهی و دریافت پیراهن متبرک شده حضرت را به آن ترجیح داد و درخواست نمود.^۱

۳. در روایتی دیگر که به نقل از زرارة بن اعین گزارش شده، آمده است که پس از خواندن قصیده یاد شده از سوی کمیت، امام باقر علیه السلام همان دعایی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حق حسان بن ثابت نمود، در حق وی کرد:

لَا تَزَالُ مُؤَيَّدًا بِرُوحِ الْقُدُسِ مَا دُمْتَ تَقُولُ فِيْنَا.^۲

۴. نمونه پایانی مربوط به شعرخوانی کمیت در محضر امام صادق علیه السلام در «ایام تشریق» است. وی پس از کسب اجازه از امام و خواندن شعری مالا مال از ولایت مداری، مورد عنایت ایشان قرار گرفت؛ به گونه‌ای که شیخ الائمه علیهم السلام پس از بخشش هزار دینار و لباس خویش به او، از خداوند متعال، مغفرت و بخشش گناهان پیشین و پسین وی را درخواست کرد. کمیت نیز در رفتاری مشابه با روایات نقل شده در این تحقیق، دوستی اهل بیته علیهم السلام را نه به قصد دنیاداری، بلکه با هدف آخرت یاد نمود، لباس را که متبرک به وجود مبارک امام علیه السلام شده بود، پذیرفت و مال بخشوده شده را برگرداند.^۳

درنگ در روایت‌های گزارش شده، نشان از آن دارد که کمیت، شعر و شاعری را دست‌مایه دنیاخواهی قرار نداده بود، بلکه این موهبت خداداد را وسیله نزدیکی به خدا و نیل به شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان می‌دانست. در نگاه کمیت، مودت اهل بیت علیهم السلام، اجر رسالت نبوی صلی الله علیه و آله است و گرامی داشت ایشان نه تنها عاطفه‌ای ناپایدار نبوده، بلکه باوری استقرار یافته است که در محتوای شعرا و پایندی اش به ولایت خاندان اهل بیت علیهم السلام تجلی یافته است؛ آن هم در روزگاری که دیگر مدعیان محبت آل الله علیهم السلام، نتوانستند دست از

۱. معالم العلماء، ج ۴، ص ۱۹۷.

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۰۸.

۳. شرح هاشمیات الکمیت، ص ۱۶۷؛ خزانه الادب، ج ۱، ص ۱۵۵.

خواسته‌های خویش بکشند و همچون کمیت، در میدان حمایت و موالات ایشان گام نهاده و از حریم حرم اهل البیت علیهم السلام جانانه دفاع کنند؛ اقدامی که به سروده کمیت، نتیجه‌اش رانده شدن، آوارگی و ترس از جان بوده و ارمغانش عشق و حبّ ولایی و رسالی اهل بیت علیهم السلام و بهره‌مندی از دعا و شفاعت بی‌بدیل سه امام همام (سجاد، باقر و صادق علیهم السلام) است.^۱

۵. شعر و شاعران در دوره عباسی (۱۳۲ - ۳۳۴ ق)

عباسیان نیز همچون بنی‌امیه از نقش مؤثر شعر و جایگاه شاعران، غفلت نورزیدند و با بهره‌گیری از شاعران دنیاپرست، سعی در تثبیت پایه‌های حکومت خود و توجیه شرعی آن کردند. آنان پس از سلطه‌یابی و از میان برداشتن آثار حکومت اموی^۲، هیچ رقیبی جز علویان را در مقابل خود نمی‌دیدند، از این رو تمام توان سخت و نرم خود را متوجه ایشان کردند و افزون بر موضع‌گیری‌های سخت نظامی و مجازات شدید پیروان اهل بیت علیهم السلام، تلاش کردند تا با اعطای جوایز و بخشش‌های فراوان، شاعرانی سرسپرده و مال‌پرست، همچون مروان بن ابی حفصه و سدیف بن میمون را کام‌بخشی نموده و در مقابل، از نفوذ فرهنگی، جایگاه ادبی و شعرهای جانبدارانه آنان بهره‌برداری سیاسی کنند؛^۳ به گونه‌ای که از یک سو، صدای مخالف علویان و شاعران آنان را - که یادآور مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام بودند - در نطفه خاموش کنند. از سوی دیگر، با راه انداختن سازمان تبلیغاتی به سرکردگی شاعران، ریشه‌های خلافت خود را مستحکم نمایند. البته تلاش‌های حکومت عباسی گاه جواب عکس می‌داد و شاعرانی همچون سید حمیری (م ۱۷۳ق) و سدیف بن مروان (م ۱۴۷ق) دگرگون شده و جان خود را به سبب مدح اهل بیت علیهم السلام نثار کردند؛ شاعرانی رشد یافته که برخی شایستگی تأیید و صله‌بخشی خاندان طهارت علیهم السلام را یافتند و برخی دیگر از این عطا محروم شدند.^۴

۶. شاعران توفیق یافته به عطا و مدح اهل بیت علیهم السلام در عهد عباسی

در میان شاعران ستایش‌گرو مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم السلام در دوران خلافت عباسی، نام‌هایی وجود

۱. شرح هاشمیات الکمیت، ص ۱۱.

۲. المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۲۱۲.

۳. الامامة و السياسة، ص ۳۴۶؛ نهاية الأرب، ج ۲۲، ص ۴۹.

۴. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۴؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۶، ص ۶۶؛ الاغانی، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

دارد که با وجود تلاش فرهنگی، از توفیق حمایت مادی و معنوی ائمه علیهم السلام منع شدند. سدیف بن مروان (م ۴۷ق)، منصور النمری (م ۱۹۳ق)، ابونؤاس (م ۱۹۹ق)، شافعی (م ۲۰۴ق)، ابوتمام (۲۳۱ق) و دیک الجن (م ۲۳۵ق) از سرشناسان ایشان به حساب می آیند.^۱ در سوی دیگر، نام‌های سید حمیری (م ۱۷۳ق)، سفیان بن مصعب عبدی کوفی (م ۱۲۰ق یا ۱۷۸ق) و دعبل خزاعی (م ۲۴۶ق) به عنوان شاعران مورد توجه ائمه علیهم السلام می درخشید که در ادامه این مقال به معرفی جایگاه ایشان و گزارش‌های مطرح شده درباره آنان می پردازیم.

۶- ۱. سید حمیری

ابوهاشم، اسماعیل بن محمد بن یزید بن ربیعة الحمیری، ملقب به سید حمیری (م ۱۷۳ق)، از مشهورترین شاعران شیعه و زبان گویای مذهب جعفری است.^۲ او از شاعرانی است که بسیار در مدح بنی هاشم و ذم مخالفان ایشان چکامه سرایی کرده است. موصلی از عموی خود نقل می کند که وی، دو هزار و سیصد قصیده از سید جمع کرده بود و تصور داشت که تمام قصاید حمیری را در اختیار دارد، اما روزی با فردی روبه رو شد که ابیاتی از سید خواند که تا به حال نشنیده بود. آن هنگام بود که دانست اشعار حمیری بسی بیشتر از آن چیزی است که وی تصور نموده است.^۳ فراوانی قصاید وی در شأن اهل بیت علیهم السلام به حدی است که حتی برخی معتقدند که اگر حمیری و اشعارش نبود، دیوان شعرای شیعی نسبت به یادکرد فضیلت خاندان نبوت علیهم السلام احساس ناداری می کرد.^۴ ارادت وی به خاندان وحی علیهم السلام، ریشه در ولایی رسالی و قرآنی داشت؛ آن طور که در دو بیت زیر بر آن است که اگر سفارش مؤکد پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر را از خاطر ببرد، همچون کسی است که هدایت را در ازای گمراهی معامله نموده و پس از رهیافت به اسلام، به مسیحیت یا یهودیت گرویده است:

إذا أنا لم أحفظ وصاة محمد ولا عهده يوم الغدير المؤكدا
فإني كمن يشرى الضلالة بالهدى تنصر من بعد الهدى أو تهودا^۵

۱. اخبار شعراء الشيعة، ص ۱۱۳.

۲. اخبار السيد الحميري، ص ۱۵۱؛ الاغانی، ج ۷، ص ۲۲۹.

۳. الاغانی، ج ۷، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۴. لسان الميزان، ج ۱، ص ۴۳۷؛ البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۱۷۴.

۵. دیوان السيد الحمیری، ص ۳۴۴.

نیز بینامتنی و تناسص قرآنی وی در بیت زیر - که متأثر از آیه تطهیر^۱ و ماجرای حدیث کساء^۲ است - نشان از ریشه دار بودن آثار بازمانده از او دارد:

إن يوم التطهیر یوم عظیم
خُص بالفضل فیہ اهل الکساء^۳

حمیری - که از کودکی لقب سید را به واسطه نام‌گذاری مادر به همراه داشت - در یکی از اشعارش به این امر و تأکید امام صادق علیه السلام بر حسن تسمیه مادر و عنوان بخشی «سید الشعرا» از سوی حضرت علیه السلام به وی می‌بالد.^۴ صدور این عنوان از شیخ الاثم علیه السلام، نشان از پیوستار زیبایی ساختار و ترکیب شعری و والایی معنا در شعر حمیری و توانمندی او در انتقال مفاهیم و آثار نبوی صلی الله علیه و آله و آیات قرآنی دارد. شاعری که ذوق ادبی را قرین فهم عمیق از تقلین ساخت و شایستگی درآمدن در زمره سرآمدان اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام را پیدا کرد.^۵

احادیث مستفیضی در دست است که فضیل الرسان، ابوهارون الکفوف از کسانی بودند که توفیق مرثیه‌خوانی اشعار حمیری در رثای امام حسین علیه السلام را در پیشگاه مؤسس مذهب جعفری پیدا کردند و حضرت در برابرین تلاش، سید را - که خود نیز گاه به مصیبت خوانی اشعار خویش در محضر امام علیه السلام راه می‌یافت - دعا نموده و از خداوند متان برای او رحمت و ثبات بر این راه را طلب نمود.^۶

بر اساس برخی روایات، در محضر امام صادق علیه السلام از سابقه و عملکرد ناپسند گذشته حمیری یاد شد و طلب رحمت حضرت برای وی سخن به میان آمد، امام علیه السلام در پاسخ به بیان قاعده فراگیر توبه و از میان رفتن آثار اعمال ناشایست پرداختند و حمیری را از جمله محبتان اهل بیت علیهم السلام دانستند که توفیق توبه و جبران گذشته را یافته است.^۷

در گزارشی دیگر، پس از شهادت زید بن علی علیه السلام، فضیل الرسان خدمت امام صادق علیه السلام رسید و یکی از سروده‌های حمیری را برای حضرت و خانواده ایشان خواند؛ به حدی که

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۸۷؛ الصحيح، ج ۴، ص ۱۸۳.

۳. دیوان السید الحمیری، ص ۱۹.

۴. همان جا.

۵. معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۰۲.

۶. الغدیر، ج ۲، ص ۲۴۳.

۷. الغدیر، ج ۲، ص ۲۴۷؛ الاغانی، ج ۷، ص ۲۷۷.

مجلس به گریه آمد و امام صادق علیه السلام پس از بیان جایگاه زید، حمیری را ستود و از خداوند برای وی طلب رحمت و آمرزش نمود. در این میان، یکی از اصحاب عرضه داشت که او نبیذ می نوشد و اهل فسق است. سپس امام علیه السلام فرمود:

يلحق مثله التوبه ولا يكبر على الله أن يغفر الذنوب لمحبتنا ومادحنا.^۱

نکته آخر، شعسرایی حمیری در آستانه از دنیا رفتن است. به نقل بشیر بن عمار، سید در حال احتضار بود، چهره اش سخت سیاه شده بود و تاب سخن گفتن نداشت. ناگهان چشم گشود و به سوی قبله (همسو با نجف اشرف) نگریست. سه بار عرض کرد: یا امیر المؤمنین! آیا این گونه با ولی خود معامله می کنید؟! در آن زمان، عرقی سفید بر پیشانی او جلوه کرد، صورتش گشوده و همچون ماه شب چهارده درخشید و خندان ابیات ولای ذیل را سرود، سپس شهادتین را بر زبان جاری ساخت و جان به جان آفرین تسلیم کرد:

كَذَبَ الرَّاعِمُونَ أَنَّ عَلِيًّا لَنْ يُنَجِّيَ مُحِبَّهُ مِنْ هِنَاةٍ
قَدْ وَرَبِّي دَخَلْتُ جَنَّةَ عَدْنٍ وَعَفَا لِي الْإِلَهُ عَنْ سَيِّئَاتِي
فَأُبَشِّرُوا الْيَوْمَ أَوْلِيَاءَ عَلِيٍّ وَتَوَلَّوْا عَلِيًّا حَتَّى الْمَمَاتِ
نُؤْمَ مِنْ بَعْدِهِ تَوَلَّوْا بَيْنِيهِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ بِالصِّفَاتِ^۲

۶ - ۲. عبدی کوفی

ابو محمد، سفیان بن مصعب عبدی کوفی (م ۱۲۰ یا ۱۷۸ ق) در شمار شاعرانی است که از امتیاز عنایت امام صادق علیه السلام بهره مند شده است؛^۳ صحابی مزین به اوصاف ولایی خالص، ایمان ناب، ثقه، عدل، ممدوح و معتمد امام صادق علیه السلام که جز در رثا و مناقب اهل بیت علیهم السلام شعر نسرود و از سوی امام به سالک دین الهی توصیف شده و به فرموده حضرت، شیعیان مأمور تعلیم اشعار او به کودکان خود شده اند:

يا معشر الشيعة! علموا أولادكم شعر العبدى فإنه على دين الله.^۴

از جمله ویژگی های عبدی، بدیهه شرایبی وی در محضر امام صادق علیه السلام است؛ این گونه که

۱. اخبار السيد الحمیری، ص ۱۵۹؛ الامالی (طوسی)، ص ۱۸۴.

۲. لسان المیزان، ج ۱، ص ۴۳۷؛ رجال الطوسی، ص ۶۲۸؛ كشف الغمة، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۵.

۳. رجال العلامة، ص ۱۲۸.

۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۵۴؛ الرجال، ص ۱۸۲.

پس از پرسش‌گری از معارف الهی و مناقب عترت (علیهم‌السلام) در همان آن، به سرایش شعر پرداخته و روایت امام را با زبان شعر عرضه می‌داشت. نمونه این کنش‌گری، پرسش او آیه اعراف^۱ است. امام (علیهم‌السلام) در پاسخ فرمود:

آن‌ها اوصیا از آل محمد، ائمه دوازده‌گانه هستند. خدا را نشناسد، مگر کسی که آن‌ها را بشناسد و آن‌ها او را بشناسند.

آن‌گاه پس از کسب اجازه از امام (علیهم‌السلام) چکامه‌ای زیر را سرود:

أَيَا رَبُّعُهُمْ هَلْ فِيكَ لِي الْيَوْمَ مَرْبِعٌ وَهَلْ لِلْيَالِي كُنَّ لِي فِيكَ مَرْجِعٌ
 وَأَنْتُمْ وُلَاةُ الْحَشْرِ وَالتَّشْرِ وَالْجَزَاءِ وَأَنْتُمْ لِيَوْمِ الْمَفْزَعِ الْهَزْلُ مَفْزَعٌ
 وَأَنْتُمْ عَلَى الْأَعْرَافِ وَهِيَ كَنَائِبٌ مِنْ الْمِسْكِ رِيَّاهَا بِكُمْ يَتَضَوُّعٌ
 تَمَانِيَةٌ بِالْعَرْشِ إِذْ يَحْمِلُونَهُ وَمِنْ بَعْدِهِمْ هَادُونَ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعٌ^۲

عبدی همچون شعرسرایی درباره واقعه عاشورا و رثای سید الشهداء (علیهم‌السلام) را در برنامه ادبی ولایی خود گنجانده بود؛ به گونه‌ای که در چندین مجلس، اشعار وی بر امام صادق (علیهم‌السلام) توسط خودش^۳ یا دیگر ذاکران، همچون ابوعمارة خوانده شد^۴ و امام (علیهم‌السلام) با فراخوان خانواده خویش، نشست را به مجلس عزای حسینی (علیهم‌السلام) مبدل کرده و این‌گونه اشعار عبدی دستمایه ذکر مصیبت آل الله (علیهم‌السلام) شده و توفیق دعای اهل بیت (علیهم‌السلام) و عطای امام صادق (علیهم‌السلام) را پیدا می‌نمود.^۵

۶ - ۳. دعبل خزاعی

دعبل بن علی بن رزین بن عثمان خزاعی (م ۲۴۶ق) از جمله شعرسرایانی است که توفیق شعرخوانی در محضر امام رضا (علیهم‌السلام) و دعای ایشان را یافته است؛ شاعری که چکامه‌هایش همچون دیگر شاعران ولایی هم‌قطار خود، بیش از هر چیز، صلابت دوستی و حب اهل بیت (علیهم‌السلام) را داده و جان‌های آماده را طراوت بخشیده است.^۶

۱. سوره اعراف، آیه ۴۶.

۲. مقتضب الاثر، ص ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۵۲.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۲۱۶.

۴. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۸۴.

۵. اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۲۷۱؛ ادب الطف، ج ۱، ص ۱۶۹.

۶. رجال العلامة، ص ۷۰؛ شعر دعبل بن علی الخزاعی، ص ۲۳۵-۲۳۶.

نمود شیدایی دعبل را می‌توان در «قصیده تائیه» وی دریافت؛ چکامه‌ای که آن را به گاه زیارت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۱ق، در حضور حضرت برای نخستین بار و به اذن ایشان با مطلع ذیل بر زبان جاری ساخت:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَمَنْزِلٌ وَخِيٌّ مُقْفَرُ الْعَرَصَاتِ

خوانشی که بخشش جبه خز و ششصد دینار را از سوی امام به دنبال داشت؛ هدیه‌ای که ابتدا از سوی دعبل به سبب ارادات و وظیفه دینی به شمار آوردن پذیرفته نشد، اما در نهایت به ضمیمه یکی از جامه‌های شخصی امام - که خواسته دعبل بود - دریافت گردید.^۱ او همچنین در مجلسی دیگر درباره انتظار و حضرت قائم علیه السلام شعرسرایي کرد؛ شعری که در وجود مبارک امام رضا علیه السلام تأثیر گذاشت و حضرت به احترام از جای برخاست، دست را بر سر گذاشت و برای ظهور ایشان دعا کرد. آنگاه به دعبل روی کرد و فرمود:

يا دعبل! نطق روح القدس بلسانک.^۲

آن‌گاه دعبل شعرسرایي را ادامه داد تا آن‌جا که به بیت زیر رسید:

لَقَدْ خَفْتُ فِي الدُّنْيَا وَإِيَّامِ سَعِيهَا وَإِنِّي لِأَرْجُو الْأَمْنَ بَعْدَ وَفَاتِي

امام رضا علیه السلام در جواب فرمود:

أَمْنُكَ اللَّهُ يَوْمَ الْفَرَجِ الْكَبِيرِ.^۳

دعبل آن هنگام که به مرثیه‌سرایي امام حسین علیه السلام پرداخت و ابیات زیر را سرود:

أَفَاطِمُ لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنُ مُجَدِّلاً وَقَدْ مَاتَ عَظْمَانَا بِشَيْطِ فُرَاتٍ
إِذَا لَلَطَمَتِ الْخَدَّ فَاطِمُ عِنْدَهُ وَأَجْرِيَتِ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ

حضرت رضا علیه السلام به وی فرمود:

ای دعبل! همواره مرثیه‌گوی حسین علیه السلام باش. تو تا زمانی که زنده‌ای یاور و ذاکر ما

هستی، پس تا توان داری ما را یاری ده و در این راه کوتاهی نکن.^۴

دعبل، سرانجام پس از این‌که قصیده خود را به انجام رساند، سه مرتبه مورد تمجید

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۳؛ الامالی (مرتضی)، ج ۱، ص ۴۸۴.

۲. الغدير، ج ۶، ص ۱۳؛ الزام الناصب فی اثبات الحجّة، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۴.

۴. جامع احادیث الشيعة، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

امام علیه السلام قرار گرفت. آن‌گاه امام علیه السلام، ده هزار درهم - که نقش نام حضرت بر آن برجسته بود - به وی عطا نمود؛ عطایی که با دریافت نمودن عبل با هدف بیان اخلاص او همراه شد، اما دگربار با پیراهن خزم‌تبرک امام علیه السلام و انگشتر نقره‌فام ایشان همراه شد و دعبل آن را با جان دل پذیرفت. در آن هنگام، امام رضا علیه السلام به او سفارش نمود:

دعبل! این لباس را حفظ کند؛ که با آن هزار رکعت نماز گزارده و هزار ختم قرآن انجام داده‌ام.^۱

۷. نتیجه

باری تنها شاعرانی محدود، شایستگی عنایت معنوی و بخشش مادی خاندان عصمت و طهارت پیدا کردند که در انجام با تأملی دگربار بیشتر بر چرایی بخشش و منع آل الله علیهم السلام به ایشان می‌پردازیم.

جست و جوگر در میان گزاره‌های روایی و دعا‌های اهل بیت علیهم السلام درباره «کمیت» درمی‌یابد که تأییدات و عبارت‌های صادر شده از سوی ائمه علیهم السلام ناظر بر «هاشمیات» شاعر است؛ اشعاری که تنها به شأن غالب شعرای شیعه، یعنی ابراز ارادت و محبت به خاندان رسالت علیهم السلام محدود نشده، بلکه موضوع محوری آن اثبات ولایت خاندان عترت علیهم السلام از یک سو و به مصاف آمدن با خلافت مددیافته به زر، زور و تزویراموی از سوی دیگر است.^۲ در این شرایط بود که «کمیت»، نه تنها به عنوان یک شاعر، بلکه به عنوان صدای رسای عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی با چکامه «بائیه» به میدان نبرد آمد و با برشمردن شایستگی اهل بیت علیهم السلام و قرابت بی‌بدیل ایشان با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، اندیشه جبر و قداست دروغین دستگاه اموی را محکوم کرد.^۳ او در «هاشمیات» خود پای را فراتر گذاشت و مردم را به خروج علیه ظلم امویان - که خلافت را به پادشاهی و نظام موروثی مبدل ساخته بودند - فراخواند.^۴ از این رو، «کمیت» با الگوی ابراهیمی قرآن کریم،^۵ همچون یک امت عمل کرد. او اثبات کرد که در دورانی که حق پرست نمی‌تواند بجنگد، باز هم مسئولیت افشای جور و روشن‌گری از او سلب نشده است.

۱. الامالی (طوسی)، ص ۲۹۹.

۲. الديمقراطية فی فلسفة الحكم العربی، ص ۱۹۵.

۳. شرح هاشمیات الکمیت، ص ۵۹-۶۹.

۴. همان، ص ۱۵۵.

۵. سوره نحل، آیه ۱۲۰.

«فرزدق» نیز در همین مسیر گام گذاشت. او که با سرایش قصیده «میمیمه» خود، ایمانش به امام زمان خود را متجلی ساخت، سلطه اموی را به مصاف آمد و خود را در معرض زندان بنی امیه قرار داد؛ امری که اغلب شاعران مدیحه‌گو، با وجود چکامه‌سرایی‌های فراوان - که از نظر ظاهری نیز سرآمد عصر خویش به حساب می‌آمد - جرأت و توان بیان آن را نداشتند. از این رو، همچون «فرزدق» و «کمیت» شایستگی ستایش و عطای امام سجاد علیه السلام را پیدا نکردند.

«سید حمیری» همچون دیگر هم‌قطاران بهره‌مند، از این قافله جا نماند؛ همان‌که گرچه ریشه‌اش به اباضیه بازمی‌گشت^۱ و همچون «فرزدق» سابقه مدح بنی‌امیه را در کارنامه داشت، اما پس از انقلابی روحی، موذت و حب ولایی اهل بیت علیهم السلام را براندیشه کیسانی، تعصب جاهلی و قومیت‌گرایی برگزید، رنج سنگین دشمنی نزدیکان و حتی خانواده خود را متحمل شد^۲ و در قصاید بی‌نظیرش، افزون بر ابراز محبت به آل الله علیهم السلام، از حق خلافت و جانشینی ایشان نسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دفاع کرد و امویان را به عنوان غاصبان این جایگاه خطیر معرفی نمود.

«دعبل» را بی‌تردید باید شاعری دانست که زبان و قلم خود را وقف دفاع از مرتبه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نمود. او که در این راه، به خود هراس راه نداد و هر سرزنش و تهدیدی را به جان خرید و لحظه‌ای از ادامه مسیر باز نایستاد، تا آن‌جا که از او نقل شده است:

انا احمّل خشبتي علی کتفی منذ خمسين سنه و لست اجد احداً یصلبني علیها؛

پنجاه سال چوبه دار خویش را بر دوش می‌کشتم و کس نمی‌یابم که مرا بر آن به دار کشد.^۳

تناص یا همان بیامتنی آیات ولایی قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام در شعر عبدی نیز همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، افزون بر آن‌که ندا و صلای بر محبت اهل بیت علیهم السلام به همراه داشت، جامعه مسلمان را - که تحت شدیدترین تبلیغات منحرف‌کننده از جاده حق و حقیقت قرار داشت - به شناخت هرچه بیشتر انتمه علیهم السلام فرامی‌خواند. بنابراین، نقطه اشتراک شاعران مورد عنایت معنوی خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام - با

۱. اخبار السید الحمیری، ص ۱۵۲؛ الغدیر، ج ۶، ص ۱۵.

۲. دیوان طرفه بن العبد، ص ۵۷.

۳. طبقات الشعراء، ص ۱۲۵.

وجود تفاوت کمی و کیفی اموال و جوایزی که از ائمه (علیهم السلام) دریافت نمودند - ولایت مداری، حق‌گرایی و ظلم‌ستیزی ایشان است. آنان با بهره‌گیری از شعر به عنوان ابزاری فرهنگی که علاوه بر بیان تأثیرگذار حقیقت در دوران خود، واجد نقش قابل توجه‌ای در انتقال میراث ادبی و تاریخی عرب بود، عقیده امامت و انتصاب الهی جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در گذر عصر و نسل‌ها برای آیندگان باقی گذاشته و حفظ نمودند. ایشان در این راه جان، مال و آبروی خود را بذل کردند؛ آن‌طور که دنیاپرستی و ظاهر فریبنده صاحبان قدرت و ثروت نتوانست آنان را بفریبد و تا آخرین دم از حیات خویش بر عهد الهی مودت آل الله (علیهم السلام) پایبند بودند، بر صفحه روزگار باقی ماندند و بر صحیفه جان مؤمنان و حق‌جویان تاریخ نقش بستند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- اخبار السيد الحمیری، ابو عبید الله محمد بن عمران المرزبانی الخراسانی، بیروت: شركة الکتبی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۹۹۳ م.
- اخبار شعراء الشیعه، ابو عبید الله محمد بن عمران المرزبانی الخراسانی، النجف الاشرف: المطبعة الحیدریة، ۱۹۶۸ م.
- الاختصاص، محمد بن نعمان مفید، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
- إختیار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان مفید، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
- أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابوالحسن (ابن اثیر)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- اعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۵۸ م.
- الاغانی، ابوالفرج علی بن الحسین الاصفهانی، القاهرة: طبعة دارالشعب، ۱۹۶۹ ق.
- إلزام الناصب فی إثبات الحجة، علی حائری یزدی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.
- الامالی، الشریف علی بن الطاهر (سید مرتضی)، القاهرة: مطبعة اسعادة، ۱۹۷۰ م.
- الامالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- الامامة و السياسة، عبد الله ابن مسلم قتیبہ الدینوری، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۰ ق.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

- البداية و النهاية، اسماعيل بن عمر ابن كثير، بيروت: دارالفكر، ١٩٨٨م.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضى زبيدي، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.
- تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، شمس الدين محمد بن احمد ذهبي، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٩ق.
- تاريخ الامم و الملوك، محمد بن جرير طبري، مصر: دارالمعارف، ١٩٦١م.
- تاريخ اليعقوبي، محمد بن اسحاق يعقوبي، بيروت: دار صادر، ١٤١٣ق.
- تاريخ مدينه دمشق، علي بن حسن ابن عساكر، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن بابويه (صدوق)، قم: دارالشرىف الرضى للنشر، ١٤٠٦ق.
- جامع احاديث الشيعة، حسين طباطبائي بروجردى، قم: المطبعة العلمية، ١٣٩٩ق.
- حماسه حسيني، مرتضى مطهرى، تهران: صدرا، ١٣٧٩.
- خزانة الادب و لب لباب لسان العرب، عبد القادر بن عمر بغدادى، مصر: مكتبة الخانجى، ١٤١٨ق.
- الديمقراطيه فى فلسفة الحكم العربى، عبد العزيز الدولى، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، ١٩٨٦م.
- ديوان السيد الحميرى، اسماعيل بن محمد حميرى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٩٩٩م.
- ديوان الفرزدق، همام بن غالب فرزدق، تصحيح و شرح على فاعور، بيروت: دار صادر، ٢٠٠٦م.
- رجال الطوسى، محمد بن حسن طوسى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين، ١٣٧٣ش.
- رجال العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن على بن المطهر الحلى، مشهد: آستان قدس رضوى بنياد پژوهش هاى اسلامى، ١٣٨١ش.
- الرجال، حسن بن على بن داود حلى، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٤٢ش.
- روضات الجئات فى احوال العلماء و السادات، سيد محمد باقر خوانسارى، قم: دهاقانى، ١٣٩٠ق.
- شرح هاشميات الكميت ابن زيد الاسدى، ابورياس احمد بن ابراهيم القيسى، بيروت: دارالكتب، ١٩٨٦م.

شعر دعبل بن علي الخزاعي، عبد الكريم الاشر، قم: انتشارات المكتبة الحيدرية، ١٤٢٧ق.

صحيح البخاري، محمد بن اسماعيل بخاري، مصر: وزارة الأوقاف، لجنة إحياء كتب السنة، ١٤١٠ق.

الصحيح، مسلم بن حجاج نيشابوري، قاهره: دارالحدیث، ١٤١٢ق.

الطبقات الكبرى، محمد ابن سعد، بيروت: دار صادر، ١٤١٠ق.

طرفة بن العبد، ديوان طرفة بن العبد، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠٠٢م.

العقد الفريد، احمد بن محمد بن عبد ربه الاندلسي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٩٨٧م.

الغدير في الكتاب و السنة و الادب، عبد الحسين اميني، قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامي، ١٤٢٦ق.

الكافي، محمد بن يعقوب بن اسحاق كليني، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.

الكامل في اللغة و الادب، محمد بن يزيد المبرد، القاهرة: دارالفكر العربي، ١٤١٧ق.

كشف الغمة في معرفة الأئمة، علي بن عيسى اربلي، تبريز: بني هاشمي، ١٣٨١ش.

كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن بابويه (صدوق)، تهران: انتشارات اسلاميه، ١٣٩٥ق.

لسان الميزان، احمد بن علي بن حجر العسقلاني، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٦ق.

المختصر في اخبار البشر، اسماعيل ابن ابي الفداء، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٧ق.

مروج الذهب و معادن الجوهر، علي بن الحسين مسعودي، بيروت: نشر مؤسسة الاعلمي، ١٤٢١ق.

معالم العلماء، رشيد الدين محمد ابن شهر آشوب، النجف الاشراف: المطبعة الحيدرية، ١٣٨٠ق.

مقاتل الطالبين و اخبارهم، ابوالفرج علي بن الحسين الاصفهاني، قم: انتشارات الشريف المرتضي، ١٤١٦ق.

مقتضب الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، احمد بن عبد العزيز جوهرى بصرى، قم: انتشارات طباطبائي، بي تا.

مناقب آل أبي طالب عليه السلام، رشيد الدين محمد ابن شهر آشوب، قم: علامه، ١٣٧٩ش.

المناقب، موفق بن احمد بن محمد بن مكّي خوارزمي، قم: نشر مؤسسة النشر الاسلامي جامعة المدرسين، ١٤١٧ق.

نهاية الارب في فنون الادب، احمد بن عبد الوهاب النويري، بيروت: دارالكتب العلمي، ٢٠٠٤م.

وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، ابوالعباس شمس الدین احمد (ابن خلکان)، بیروت: دار
صادر، ۱۹۹۴م.
«زمینه‌های پدید آمدن حدیث مشکل»، سید محمد کاظم طباطبائی، فصلنامه علوم
حدیث، سال ۲۶، ش ۲، تابستان، ص ۱۶۹ - ۱۸۵، ۱۴۰۰ش.
«نقش سیاق در فهم احادیث مشکل»، یاسین پورعلی و همکاران، نشریه حدیث و اندیشه،
ش ۲۹، بهار و تابستان، ص ۲۲۵ - ۲۳۹، ۱۳۹۹ش.